

شک بزرگ والتزام به پاسخگویی



«از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن.»

سوره اسراء: آیه ۲۶

صادق(ع) می فرماید: «خداوند متعال در قیامت از بنده اش می پرسد: چرا به آنچه می دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگویند نادان بودم! به او می گویند: چرا نیاموختی تا به آن عمل کنی؟ (و بدین گونه) او را محکوم می کند و این حجت بالغه و رسای خداوند است.»^۱ ندانستن، جرمی ساده و پیش پا افتاده نیست که ما به سادگی از کنار آن عبور کنیم و بی اعتنا و خونسرد شانه هایمان را بالا بیاندازیم که: «نمی دانستیم! ندانستن که عیب نیست!» پیامبر گرامی اسلام(ص) خطاب به اباذر فرمودند:

«ای اباذر! هرگاه از چیزی که نمی دانی از تو پرسیدند، بگو نمی دانم، تا از پیامدهای آن (که نادانسته پاسخ دهی) در امان بمانی و از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن، تا از عذاب الهی رهایی یابی.»^۲

گام زدن در مسیر تاریک جهان، بدون افروختن چراغی پیش پا، عذاب سخت فردا را در پی خواهد داشت. بی شک بنیاد کردن زندگی بر جهل و پیروی از جاهلان، آتش را در پی دارد. ما را خوانده اند، به دانایی و پشت کردن به جهل!

«باید جوابگو باشم
شک بزرگ

از جدال دو نیروست

جاذبه سجده

والتزام به پاسخگویی
با تحیت برتر»^۳

پی نوشت

۱. آل عمران، آیات ۱۹۰

و ۱۹۱

۲. بقره، آیه ۶۷

۳. بحار، ۲/۲۹

۴. بحار، ۷۶/۷۷

۵. صفارزاده،

طاهره، اندیشه در

هدایت شعر، ۱۳۸۴،

نزدیک، ص ۲۱۴

جهان هستی رازناک است و آرام؛ مثل خانه ای بزرگ، بسیاری در آن برای مدتی کوتاه ساکن گشته اند و بسیاری نیز در آینده ساکن آن خواهند شد. جهان فرصت عبور است و بلوغ. تنها کسانی به این جهان و فرای آن، سرای ماندگار، می اندیشند، که اندیشه ورزی را سخت تمرین کرده باشند. تردیدی نیست که انسان های خسته و خواب آلود، هرگز درک درستی از جهان نخواهند داشت و راز هستی را درک نخواهند کرد. «بی گمان در آفرینش آسمان ها و زمین و پیایی آمدن شب و روز، نشانه هایی هست، برای خردمندان». معنای ساده این سخن خداوند آن است که «خردمندی» رمز دریافت رازناکی کائنات و بندگی است. بسیاری سرگردان در این جهان پرشتاب، روز را به شب و شب را به روز می رسانند، بدون آنکه اندکی درباره زیبایی آفرینش و حکمت این جهان بیاندیشند؛ گاه آنقدر خواب آلود از کنار همه چیز و همه کس می گذرند که انگار چشم هایشان سال هاست دیدن را فراموش کرده است.

آیا نباید پرسید، چه رابطه ای است بین ما و جهان؟ آیا ما نیز از کسانی نخواهیم بود که بر نادانی خویش عمارت کاغذی بنا کرده اند؟

آن چنان عمارت

کاغذی مان را

باور کرده ایم، که

توفان و باران

را به فراموشی

سپرده ایم! ...

موسی گفت: پناه

می برم به خدا که از

نادانان باشم.»^۴

اگر فردا - که بسیار

نزدیک است؛ از ما پرسیده

شود: «آیا می دانستی؟» ما

چه پاسخی خواهیم داد. امام

